**خارج فقه جلسه 8 - مانع در مسح پا – 19/07/1401**

موضوع: **(وجود مانع در مسح پا - قطع بودن بخشی یا کل پا در وضو - ادله)**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

**امر ششم: وجوب ازاله موانع و حواجب (مثل کفش و جوراب) است.**

**عمده دلیل، صدق مسح در صورتی است که مانع و حاجبی نباشد و این دلیل از ظاهر آیه ﴿وامسحوا برؤسکم و ارجلکم﴾ و روایات فهمیده می‌شود که مادامی‌که مسح صدق نکند امر﴿وامسحوا﴾ صدق نمی‌کند علاوه بر آن‌که بسیاری از فقها این مسئله را از مسلمات شریعت می‌دانند و شاهد بر آن روایات زیادی است که روی کفش و جوراب مسح کشیده نشود.**

**منها: وعنه، عن صفوان، عن العلا، عن محمد بن مسلم، عن أحدهما عليهما السلام أنه سئل عن المسح على الخفين وعلى العمامة فقال: لا تمسح عليهما.[[1]](#footnote-1) جمله لا تمسح علیهما نهی است و نهی در عبادت موجب بطلان است.**

**منها: رروایت کلبی نسابه است، متن روایت: وعن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن محمد بن علي، عن سماعة بن مهران، عن الكلبي النسابة، عن الصادق عليه السلام (في حديث) قال: قلت له ما تقول: في المسح على الخفين فتبسم، ثم قال: إذا كان يوم القيامة ورد الله كل شئ إلى شيئه ورد الجلد إلى الغنم فترى أصحاب المسح أين يذهب وضوؤهم؟! [[2]](#footnote-2)**

**امر هفتم: درباره وظیفه نمازگزاری که تمام یا بخشی از پایش قطع شده است.**

**اما فرع اول: اگر برخی از قسمت‌های پا بریده است بر او واجب است باقیمانده را مسح کند اما ادله:**

**دلیل اول: ادعای بلا خلاف شده و از مسلمات فقه است.**

**دلیل دوم: قاعده المیسور لا یسقط بالمعسور است البته بنابر اینکه این قاعده در وضو جاری باشد و به نظر ما جاری است.**

**دلیل سوم: اطلاق آیه ﴿وامسحوا برؤسکم و ارجلکم﴾ که هر مقداری که پا دارید واجب است مسح بکنید.**

**دلیل چهارم: روایاتی که تصریح کردند که اگر برخی از قسمت‌های پا بریده شده است مسح ساقط نمی‌شود مثل صحیحه رفاعه، متن روایت: محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن رفاعة، وعن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن علي، عن رفاعة، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الأقطع فقال: يغسل ما قطع منه.[[3]](#footnote-3) و ما قرائن زیادی داریم که کلمه غَسل هر وقت در مسح بکار برود به معنای مسح است.**

**سؤال: چرا در چند روایت تعبیر به شستن شده است؟ صاحب وسائل می‌فرماید به سه جهت:**

**حمل بر تقیه شود و یا اینکه روایت حمل بر مسح شود و یا حمل بر استحباب بشود که شستن پا قبل از مسح مستحب است و جمعی از علما هم همین فتوا را داده‌اند.**

**لکن صاحب جواهر و برخی دو جهت دیگر گفته‌اند:**

**اول: تعبیر به شستن و غَسل از باب تغلیب است چون شستن اعضای وضو بیشتر از مسح است از این باب غَسل گفته شده است پس دیگر تقیه و حمل بر استحباب نیست.**

**دوم: از باب مزدوج است یعنی از جمع بین دست و پا تعبیر به شستن شده است.**

**فرع دوم: اگر تمامی قدم یعنی از نوک انگشتان تا پاشنه پا قطع شد باید تفصیل داد:**

**تارة: تا قبه پا قطع شده فقها فرمودند که مسح پا ساقط است اما امام ره فرمودند احتیاط در مسح از قبه تا مفصل است.**

**اخری: اگر تا مفصل قطع شده به کلی مسح ساقط است چون:**

**اولاً: امر دایر است بین وضو و تیمم و قاعده تیمم را آیه ولم تجدوا ماءا ... بیان فرمود که فقدان آب یا به خاطر اینکه آب پیدا نشده و یا اینکه آب هست و ضرر دارد می باشد که باید تیمم کرد اما کسی که پای او قطع شده هرگز به او فاقد آب صدق نمی‌کند چون بقیه اعضای او هست لذا مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید این از مسلمات است.**

**ثانیاً: قیودی که خارج از اختیار مکلف است و دخیل در مأمور به است باید مفروض الوجود باشد و اگر آن قیود در فضای بیرون، فرض وجودش محال است یقیناً آن قیود منتفی است و وقتی قیود منتفی بود حکم آن هم منتفی است و در اینجا مسح پا واجب است اما مقید به سالم بدون پا است حال وقتی پا مفروض الوجود نیست پس قید هم منتفی است پس حکم هم منتفی است.**

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. **وسائل ج ۱ ص ۳۲۳** [↑](#footnote-ref-1)
2. **وسائل ج ۱ ص ۳۲۲** [↑](#footnote-ref-2)
3. **وسائل ج ۱ ص ۳۳۷ باب ۴۹** [↑](#footnote-ref-3)